



بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲	مراتب امر به معروف و نهی از منکر.....
۲	مرور گذشته .....
۲	انکار قلبی.....
۲	جمع بندی .....
۳	اولین مرحله امر به معروف و نهی از منکر.....
۳	خشم و غضب در ظاهر.....
۳	ادله روایات .....
۴	روایت به نقل تهذیب:.....
۴	بررسی نقل‌های روایت .....
۴	راه‌های حل تعارض دو نسخه.....
۴	راه حل اول.....
۴	احتمالات در باب تفاوت نسخه‌ها.....
۵	نتیجه‌گیری.....
۵	روایت دوم:.....
۵	بررسی روایت از لحاظ سند:.....
۶	بررسی روایت از لحاظ دلالت .....
۶	تفاوت دو روایت .....



## مراتب امر به معروف و نهی از منکر

### مرور گذشته

مراتب امر به معروف و نهی از منکر را بیان کردیم یک مرتبه، فعل جناحی و قلبی در مقابل معصیت‌ها است. بعد از این بحث، وارد مبحث جدیدی شدیم. امر به معروف و نهی از منکر دارای سه مرحله است:

۱. اظهار الکراهة یا انکار قلبی.

۲. امر و نهی بیانی و لسانی.

۳. امر و نهی با اقدامات عملی.

### انکار قلبی

صاحب جواهر با بیان زیبایی این مراحل را آورده‌اند. ایشان می‌فرمایند: انکار قلبی که مرحله‌ی اول است، سه چهار وجه دارد: مادامی که انکار، قلبی محض است، مرحله‌ای از امر به معروف و نهی از منکر نیست. ولی این انکار قلبی وجوهی دارد:

۱. اعتقاد

۲. رضایت و کراهت

۳. دعا و نفرین (دعا و نفرین برای کسانی که گناه می‌کنند تا به راه راست هدایت شوند و یا نفرین آن‌ها کردن)

موضوعاتی که در این باب کار نکرده‌ایم عبارت‌اند از:

۱. رضایت و کراهت نسبت به گناه یا شخصی که گناه انجام می‌دهد.

۲. حکم دعا و نفرین چیست؟

### جمع بندی

محورهایی که غیر از امر به معروف و نهی از منکر جای بحث دارد، چند محور است:

۱. علم و عدم علم



۲. اعتقاد و اذعان

۳. رضا و کراهت

۴. دعا و نفرین

این چهار محور، شقوقاتی دارند. در مورد رضایت ۱۶ شق را بحث کردیم. این‌ها مراتب خارج از امر به معروف و نهی از منکر است. زیرا این امر نیاز به ابراز و اظهار دارد.

## اولین مرحله امر به معروف و نهی از منکر

### خشم و غضب در ظاهر

اولین اظهار این است که کسی خشم و غضب کند. غضب غیر از کراهت است. این به عنوان اولین مرحله بیان شده است. البته باید در این مورد ادله را بررسی کنیم.

با قطع نظر از اینکه جزء امر به معروف و نهی از منکر است، باید ببینیم اظهار چه حکمی دارد؟ باید اظهار کراهت و تنفر بکنیم. بعد از آن اطلاق و فروعاتش را بحث می‌کنیم.

## ادله روایات

### روایت اول

اولین دلیل، روایت سکونی بود.

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بوجوهٍ مَكْفُوهَةٍ.»<sup>۱</sup>

همان‌طور که بیان کردیم، این روایت از لحاظ سندی قابل تصحیح است. این روایت در کافی و تهذیب آمده است. این دو روایت تفاوت‌هایی داشتند که بیان کردیم. این تفاوت اثرات فقهی مهمی داشت.

۱ وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۴۳



## روایت به نقل تهذیب:

«إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَذْنَى الْإِنكَارِ أَنْ تَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهِ مُكْفَهَرَةٍ»<sup>۱</sup>

در یک نقل « أَذْنَى الْإِنكَارِ » آمده است که قطعاً مرحله‌ای از امر به معروف و نهی از منکر می‌شود.

## بررسی نقل‌های روایت

بحشی که در اینجا بیان کردیم این بود که آیا این دو روایت، یک روایت یا دو روایت است. در اینجا دو احتمال را بیان کردیم.

اگر بگوییم دو روایت است، ادنی الانکار محفوظ است و روایت قبل ارزش خود را دارد. این دو جمله مثبتین هستند. تعارضی نیز با هم ندارند و اقل و اکثر هستند. در نتیجه دلیلی برای مراتب امر به معروف و نهی از منکر می‌شود.

## راه‌های حل تعارض دو نسخه

اگر احتمال دیگر را بگیریم و بگوییم روایت یکی است و به دوش کل نقل شده است، در این صورت دو نسخه می‌شود. برای اینکه بدانیم کدام نسخه را اولویت قرار بدهیم، راه‌ها و روش‌هایی وجود دارد:

### راه‌حل اول

اگر دو نسخه بشود، در تعارض نسخه تهذیب و اصول کافی، نسخه کافی مقدم است. زیرا مرحوم کلینی یک شغل داشتند. تدوین کافی بیست سال طول کشید. تمام تلاش کلینی این بود که این کتاب را بنویسند. اما شیخ (ره) عظمت فراوانی دارند. شیخ (ره) یک اقیانوس بی‌انتها هستند. اما نمی‌توانیم بگوییم که ایشان در چند بعد، ذوفنون بوده‌اند. شیخ (ره) مشغولیت‌های بیشتری جز نوشتن نیز داشتند. از این رو نسخه کافی را مقدم می‌داریم. البته در این وجه، اختلافات زیادی وجود دارد. نمی‌توانیم به خاطر اضططیت، نسخه‌ی کلینی را ارجح بدانیم. ما نیز به این اختلاف، قائلیم.

### احتمالات در باب تفاوت نسخه‌ها

تفاوت نسخه‌ها به دو شکل است:

الف) گاهی مرحوم کلینی حدیثی را با سندی نقل می‌کند. شیخ نیز همان حدیث را با سند دیگری که ربطی به کلینی ندارد، نقل می‌کند. در این صورت، تفاوت خیلی کوچکی در متن وجود دارد.

۱ کافی، ج ۵، ص ۵۸، ح ۸



ب) گاهی مرحوم شیخ (ره) از خود کلینی روایتی را نقل کرده است ولی با شکل دیگری نقل می‌کند. این صورت یعنی مرحوم شیخ (ره) از کافی نقل می‌کند، اما از نسخه‌ی دیگری از کافی نقل می‌کند.

در اینجا نیز چنین است. به احتمال قوی، کافی دو نسخه دارد. یکی از این دو همانی است که دست شیخ (ره) بوده است. معنای این سخن این است که کافی دو نسخه داشته است، نه اینکه کافی و شیخ هر کدام از کانال جداگانه بیان کرده باشند.

ج) مرحوم شیخ طریقی به محمد بن یعقوب، به جز کلینی دارند. اگر این باشد، مشکل بیشتر می‌شود. این احتمال خیلی بعید است. اگر احتمال (ب) باشد، اضططیت کلینی زیر سؤال می‌رود. اگر در یک کتاب دو نسخه نقل بشود، تعارض شدیدی به وجود می‌آید.

## نتیجه گیری

با این یک روایت، نمی‌توانیم این روایت را از مراتب امر به معروف و نهی از منکر بدانیم.

حاصل این روایت این شد که اصل کراهت قلبی واجب است، اظهار کراهت در چهره نیز واجب است.

## روایت دوم:

« مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ بَشْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عِصْمَةَ قَاضِي مَرْوَةَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفِطْوَا بِاللِّسَانِ وَ صُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَ لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةً لَائِمَةً فَإِنْ اتَّعَطُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ إِلَّا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ هُنَالِكَ فَجَاهِدُوهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ وَ أَبْغِضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَانًا وَ لَا بَاغِينَ مَالًا وَ لَا مَرِيدِينَ بِالظُّلْمِ ظَفَرًا حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ يَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ. »<sup>۱</sup>

در برابر کسانی که منکر انجام می‌دهند، منکر را به وسیله‌ی قلب‌هایتان انکار نکنید، و با زبان نهی کنید و با سخن و قلوبتان به پشانی آن‌ها بزنید.

## بررسی روایت از لحاظ سند:

این روایت از چند جهت اشکال دارد. بشر بن عبدالله، ابی عصمة قاضی و مرو نیز مشکل دارند.



## بررسی روایت از لحاظ دلالت

در مورد « فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ » دو احتمال وجود دارد:

۱. مقصود از این، فعل جوانحی محض است. منظور همان کراهت و انکار قلبی است. اگر این احتمال را بپذیریم، روایت از بحث ما خارج می‌شود و به بحث سابق برمی‌گردد.

۲. احتمال مشهور نیز همین احتمال است. سیاقی که در این روایت آمده است، این سیاق، یک اقدامی در مقابل منکر است و نمی‌تواند این انکار، یک فعل جوانحی محض نیست و بروز پیدا کرده است. ظاهر سیاق نیز مراتب امر به معروف و نهی از منکر را نشان می‌دهد.

درست است که احتمال دوم قوی‌تر است ولی در حد ظهور نیست.

### تفاوت دو روایت

تفاوت این روایت با روایت مذکور در این است که در روایت قبل اصل نشان دادن غضب را بیان کرده بود اما اینکه به مراتب امر به معروف و نهی از منکر اشاره داشته باشد، مشخص نبود، در این روایت، اصل مطلب ثابت نمی‌شود ولی اگر ثابت بشود، می‌توانیم بگوییم که جزء مراتب امر به معروف و نهی از منکر است.